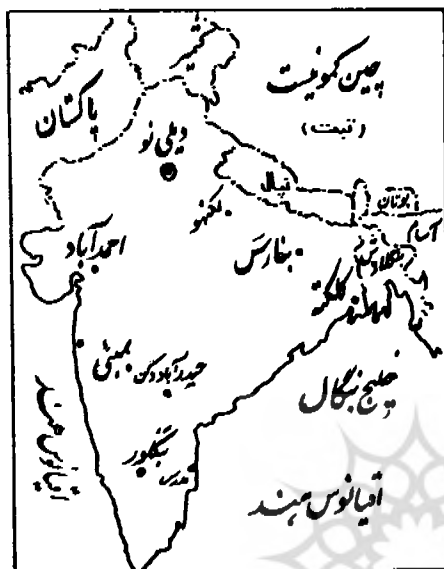


## ۴- سیاستهای تشویق صادرات در هند

(۱)



در کشورهای در حال توسعه که بدلیل برخورداری از بنیانهای ضعیف تولیدی عمدتاً "صادرکننده" مواد خام کاشوری و ذخایر معدنی هستند، سیاستهای تشویق صادرات نمی تواند بدینها عنوان ابزار دستیابی به توسعه اقتصادی مطرح گردد. از آنجا که راهکارها بطور کلی بر تجارت آزاد جهانی عبارت است

از سلطه کشورهای پیشرفته صنعتی بر کشورهای جهان سوم، صدور هر چه بیشتر مواد اولیه و کوشش در این زمینه نه تنها کمکی واقعی به توسعه اقتصادی این کشورها نمیکند بلکه این امر دقیقاً "منطبق با خواست کشورهای سلطه گر میباشد. با کاهش روزافزون قیمت جهانی این مواد نسبت به بهای تولیدات صنعتی، افزایش صدور آنها تنها نتیجه ای که دارد این است که راهکارها را هر چه سریعتر به نفع کشورهای صنعتی تغییر دهد که به نوبه خود در بلندمدت منجر به ایجاد بحران در تجارت بین الملل میگردد.

با آگاهی از این شرایط، امروزه کشورهای در حال توسعه نیاز به تغییر بنیانهای تولیدی و خروج از وابستگی به صدور مواد اولیه از طریق گسترش و تنوع در تولیدات صنعتی قابل صدور را احساس مینمایند.

در روند این توسعه، نقش دولت و برنا مهریزی توام با کارآئی اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این زمینه، بررسی تجربه کشور هند که در ابتدا با کمبود منابع ارزی، سیاست جانشینی واردات و حمایت از صنایع داخلی را بعنوان محور توسعه صنعتی انتخاب و جهت تأمین ارز مورد نیاز اهداف توسعه، از سیاستهای توسعه صادرات استفاده نموده است، میتواند بعنوان یک راهنما مورد توجه سایر کشورهای در حال توسعه قرار گیرد.

### خلاصه‌ای از وضعیت اقتصادی-بازرگانی هند .....

پس از سالها مبارزه بر علیه استعمار انگلیس، در ۱۵ اوت ۱۹۴۷، هندوستان به استقلال دست یافت. در طول ۴۰ سال استقلال، این کشور بحرانهای عظیمی از قبیل جنگ با چین (سال ۱۹۶۲)، سه جنگ با پاکستان (سالهای ۱۹۴۸، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱) و جد شدن بنگلادش از پاکستان، وجود بیش از ۱۲ میلیون پناهنده و درگیریهای مداوم مذهبی را پشت سر گذارده است.

هدف رسیدن به استقلال و خودکفائی، این کشور را بسوی یک برنا مهریزی متمرکز در چهار رچوب اقتصادی مختلط سوق داده است. بنحوی که تمرکز برنا مهریزی در هند از هر کشور غیر کمونیست دیگر بیشتر است. مشخصه این نوع برنا مهریزی عبارت است از: مقررات مربوط به کنترل بخش خصوصی، حضور فعال دولت در بخشهای کلیدی اقتصاد، حمایتهای بازرگانی، محدودیت ورود سرمایه خارجی و جلوگیری از نفوذ و ورود بی رویه تکنولوژی آنها. علی رغم تلاشهای دولت در جهت تأمین رشد اقتصادی، تفا دموجود میان شاخصهای اقتصادی در هند قابل

توجه است. از نظر میزان تولید ناخالص ملی، هند جزو ۱۵ کشور عمده تولیدکننده جهان و از لحاظ میزان درآمد سرانه، با متوسط ۲۷۰ دلار در سال ۱۹۸۳ در رده کشورهای فقیر جهان قرار دارد. در سال مالی (۱) ۸۵-۱۹۸۴، معادل ۳۷ درصد جمعیت کشور (۲۷۵ میلیون نفر) زیر خط فقر قرار داشته‌اند. توزیع نابرابر درآمد، مشکلات زیربنایی توسعه (برق و ارتباطات). خشکسالیهای متناوب، بوروکراسی عظیم اداری و جمعیت انبوه با نرخ رشد ۲/۲ درصد از جمله مشکلات اقتصادی کشور است که برنامه‌ریزیهای اقتصادی با آن مواجه می‌باشد.

علی‌رغم افزایش چشمگیر سهم بخش صنعت در تولید ناخالص ملی (۱۵ درصد در سال ۱۹۶۵ و ۲۷ درصد در سال ۱۹۸۵) که نتیجه حمایت از صنایع داخلی بوده هنوز هم سهم تولیدات بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی بیش از  $\frac{1}{3}$  است.

بدلیل جایگاه ضعیفی که بخش تجارت خارجی در الگوهای توسعه هند داشته است، علی‌رغم فزونی نرخ رشد صادرات نسبت به نرخ رشد GNP در دهه گذشته در مجموع این بخش سهم عمده‌ای در تولید ناخالص ملی هند ندارد. بطوریکه طی سالهای پس از استقلال بطور متوسط صادرات بیش از ۵ درصد تولید ناخالص ملی و واردات بیش از ۸ درصد آن نبوده است. رشد آرام و میزان کم صادرات در سالهای گذشته موجب موقعیت نامطلوب تراز پرداختها و کمبود درآمدهای ارزی گردیده بطوریکه دولت را وادار ساخت تا در شرایط بحرانی، واردات را هرچه بیشتر محدود سازد

---

(۱): سال مالی از ابتدای ماه آوریل هر سال تا پایان ماه مارس سال بعد است.

(۲): The Europa Yearbook 1986, Vol I.

بر اساس استانداردهای جهانی، خط فقر عبارتست از درآمد متوسط سالانه ۳۰۰ دلار.

که این امر به نوبه خود مشکلات جدیدی را برای بخش صادرات ایجاد میکند.

روند نزولی سهم صادرات هند در صادرات جهانی نیز قابل بررسی است. سهم هند در صادرات جهانی از ۲/۵۵ درصد در سال ۱۹۵۱ به ۰/۷۲ درصد در سال ۱۹۷۰ و ۰/۴ درصد در سال ۱۹۸۰ کاهش یافته است. (۱)

رشد صادرات هند بطور متوسط در دهه ۱۹۷۰ معادل ۶ درصد و در دهه ۱۹۸۰ معادل ۹ درصد بوده است و این در حالی است که واردات نیز به همین میزان و یا بیشتر افزایش داشته است، بطوریکه همواره هند با کسری تراز بازرگانی مواجه بوده است. (جدول شماره ۱)

از نظر توزیع جغرافیایی، صادرات هند به کشورهای بلوک شرق و در رأس آنها شوروی در نتیجه عقد قرارداد معاملات تها تری افزایش زیادی یافت. اگرچه بهای پرداختی شوروی برای کالاهای هندی در مقایسه با بهای پرداختی سایر کشورها مناسب بنظر میرسد، اما کیفیت نامطلوب کالاهای سرمایه‌های شوروی سبب گردید تا صنایع هند نتوانند از تکنولوژی بالایی بهره‌برند. در حال حاضر سهم بلوک غرب و شرق در صادرات هند تقریباً " مساوی است و کشورهای پیشرفته صنعتی عمده ترین شرکای تجاری هند بشمار میروند. در سال مالی ۸۴ - ۱۹۸۳، ۱۵ درصد صادرات هند به مقصد ایالات متحده آمریکا، ۱۴/۱ درصد به شوروی و ۸/۹ درصد به ژاپن صادر گردیده است. (جدول شماره ۲)

طی دوده گذشته سیاستهای بکار گرفته شده از جانب دولت منجر به تغییر در ساخت کالاهای صادرات گردیده است، بطوریکه صادرات کالاهای مهندسی، تولیدات چرمی، سنگهای قیمتی (الماس) و

---

(۱): United Nations Statistical Office , Monthly Bulletin of Statistics , different issues.

جدول شماره ۱- برخی از شاخصهای عمده اقتصادی هندوستان

۱۹۶۵/۶۶	۱۹۶۰/۶۱	۱۹۵۵/۵۶	۱۹۵۰/۵۱	واحد	شاخص
۲۸۲/۷	۲۲۹	۲۸۶/۶	۲۵۸/۲	میلیون نفر	جمعیت
۷۲۲/۲	۶۲۵/۷	-	-	میلیارد روبیه	تولید ناخالص داخلی
۲۲	۱۰/۹	۶/۷	-	"	مصرف بخش دولتی
۱۸۵/۲	۱۱۹/۷	-	-	"	مصرف بخش خصوصی
۲۱/۲	۲۱/۶	۱۲/۸	۹/۷	"	تشکیل سرمایه ثابت
۱۶۸۷	۱۲۲۲	۱۲۶۲	۱۱۲۵	میلیون دلار	صادرات
۸۰۲۲	۶۲۲۱	۶۰۱۶	۵۲۵۲	میلیون روبیه	صادرات
۱۲۵۱۶	۱۰۹۶۸	۶۲۵۸	۵۱۹۶	"	واردات
۲۰۷	۲۲۷	-	-	"	واردات نفت خام
۲/۷۷۵	۲/۷۷۲	۲/۷۷۸	۲/۷۷۵	روپیه	نرخ مبادله دلار آمریکا
۱۹۸۵/۸۶	۱۹۸۰/۸۱	۱۹۷۵/۷۶	۱۹۷۰/۷۱	واحد	شاخص
۷۵۰/۹	۶۶۲/۲	۶۰۰/۷	۵۲۹/۰	میلیون نفر	جمعیت
۱۶۶۶/۰	۱۲۷۲/۵	۱۰۷۲/۶	۹۲۸/۱	میلیارد روبیه	تولید ناخالص داخلی
۲۵۲/۱	۱۲۰/۲	۷۲/۵	۲۸	"	مصرف بخش دولتی
۱۶۲۵/۱	۹۰۹/۲	۲۵۷/۵	۲۹۸	"	مصرف بخش خصوصی
۵۲۶/۱	۲۵۲/۱	۱۲۲/۵	۶۲/۱	"	تشکیل سرمایه ثابت
۸۰۰۲	۸۵۸۶	۲۲۵۵	۲۰۲۶	میلیون دلار	صادرات
۹۹۲۲۶	۶۷۵۱۷	۲۶۴۱۲	۱۵۱۹۸	میلیون روبیه	صادرات
۱۸۲۸۲۵	۱۱۶۷۷۱	۵۲۳۸۸	۱۵۱۲۲	"	واردات
-	۲۷۲۵۰	۹۶۲۹	۱۰۱۶	"	واردات نفت خام
۱۲/۲۶۲	۱۰/۱۱۲	۱۰/۲۶۲	۷/۵۷۶	روپیه	نرخ مبادله دلار آمریکا

International Monetary Fund , International Financial Statistics  
Yearbook, Vol xl (Washington DC: IMF publications 1987).

جدول شماره ۲- توزیع جغرافیایی صادرات هندوستان  
ارقام به میلیون روپیه

درصد در سال ۱۹۸۲/۸۲	** ۱۹۸۲/۸۲	** ۱۹۸۰/۸۱	* ۱۹۶۹/۷۰	% ۱۹۶۵/۶۶	
۱۵/۰	۱۲۹۲۷	۷۲۲۲	۲۲۷۹/۷	۱۴۶۹/۸	ایالات متحده آمریکا
۶/۰	۵۵۵۱	۲۹۲۸	۱۶۵۰/۷	۱۲۲۷/۸	انگلستان
۱۲/۰	۱۲۰۵۲	۱۲۲۶۲	۱۷۶۲/۷	۹۲۸/۹	شوروی
۸/۹	۸۲۵۶	۱۵۱۰۵	۱۷۹۲/۶	۵۷۰/۵	ژاپن
۱/۰	۱۲۶	۹۱۶	۲۲۴/۲	۱۷۲/۹	استرالیا
۲/۰	۲۷۲۸	۱۲۶۹	۲۹۸/۹	۱۷۹/۷	آلمان غربی
۲/۲	۲۲۹۲	۱۵۲۲	۲۲۶/۲	۲۷۰/۵	امارات متحده عربی
۲/۲	۲۱۶۲	۲۸۲۷	-	-	هنگ کنگ
۲/۲	۲۰۷۱	۷۲۹	-	-	بلژیک
۲/۶	۲۲۶۸	۱۶۵۲	-	-	مربستان
۱۰۰	۹۲۲۰	۶۷۵۱۷	۱۴۱۲۲	۸۰۲۲	کل صادرات

(\*) : Ministry of Information & Broadcasting , INDIA 1971 / 72 ,  
Publications Devisions, New Delhi , P.405.

(\*\*) : the Europa Yearbook 1986, Vol 1 (Europa publications  
Limited , 1986) .

مروارید، پوشاک و مواد شیمیائی افزایش زیادی یافته است.

اگرچه در سالهای اخیر صادرات تولیدات سنتی کشاورزی از قبیل چای، تولیدات چتایی و پارچه‌های پنبه‌ای، در مجموع افزایش داشته اما وضعیت عرضه و تقاضا در بازارهای خارجی نوسانات زیادی را در میزان صدور آنها ایجاد نموده است. در این زمینه سیاست‌های حمایتی که از جانب کشورهای پیشرفته صنعتی صورت می‌گیرد و نیو-ورود برخی از کشورهای در حال توسعه به بازار جهانی این محصولات از جمله عواملی است که صادرات این محصولات را برای کشورهای هند مشکل (۱) ساخته است.

### سیاست‌های ناشینی واردات در دهه ۱۹۵۰

oo

(۲)

بعد از جنگ کره و بهبود نسبی ذخایر ارزی هندوستان، در برنامه اقتصادی پنج‌ساله اول هند (۱۹۵۵/۵۶-۱۹۵۱/۵۲) بخش صادرات مورد توجه دولت قرار نگرفت. در این برنامه نقش سیاست تجاری بصورتی کلی بیان گردید و اگرچه یکی از اهداف عبارت بود از دستیابی به سطح بالایی از صادرات، اما در این برنامه بطور مشخص قید گردیده بود که "در دوران رونق نسبی عرضه ارز خارجی، نیاز به گسترش صادرات بسیار کم است".

(۱): برای مثال افزایش عرضه فرآورده‌های چتایی از جانب پاکستان در دهه گذشته، تقاضا برای صادرات هند در این زمینه را کاهش داده است و نیز ورود چین به بازار سنگهای قیمتی با هزینه کمتر نیروی کار میتواند در بلندمدت صادرات الماس هند را تحت تاثیر قرار دهد.

(۲): بحران جنگ کره سبب گردید تا محصولات کشاورزی که از کره به ژاپن صادر می‌گردید توسط هند صورت گیرد و تا حدودی سبب افزایش ذخایر ارزی هندوستان گردید.

بی توجهی دربرنامه پنجاه دوم (۱۹۶۰/۶۱-۱۹۵۶/۵۷) نسبت به صادرات از این نیز فراتر رفت. در این برنامه تصور بر آن بود که هیچ گونه امکان افزایش قابل توجهی در درآمدهای صادراتی وجود ندارد. این دید بدبینانه نسبت به بخش صادرات دودلیل عمده داشت. نخست آنکه اعتقاد عمومی بر آن بود که صادرات کالاهای اولیه و مواد خام از افق چشمگیری در بازارهای جهانی برخوردار نیست، ثانیا " تصور میشود که صادرات تولیدات صنعتی و غیرسنتی که سهم ناچیزی از صادرات کشور در آن زمان بود، نمی توانست تا قبل از روند صنعتی شدن کامل هند، بازاری وسیعی را در دست بگیرد.

نتیجه طبیعی چنین طرز تعلق نسبت به صادرات از یکسو و نیاز به صنعتی شدن در جهت تداوم استقلال از سوی دیگر آن گردید که در بلندمدت حرکت بسوی توسعه صنعتی میتواند تنها از طریق به حداقل رساندن واردات سبب ایجاد یک موقعیت مطلوب و پایدار تر از پرداختها گردد. بنا بر این سیاست جانشینی واردات بعنوان محور استراتژی توسعه صنعتی در دهه ۱۹۵۰ انتخاب گردید. برخلاف برنامه اول که اولویت سرمایه گذاری در بخش کشاورزی قرار داشت، در برنامه دوم تاکید بر گسترش صنایع سنگین و عمدتا " استفاده از ظرفیتهای بهره برداری نشده آنها و نیز گسترش حمل و نقل و نیرو قرار گرفت.

سیاست حمایت از صنایع موجب گردید تا دولت کنترلهای شدیدی بر واردات اعمال نماید. تا اوایل دهه ۱۹۵۰ این کنترلها بصورت کیفی و برحسب نوع کالاها صورت میگرفت و هیچ سقف مشخصی برای واردات اقلام بطور مجزا در دست نبود. از نیمه دوم دهه ۱۹۵۰ دولت سعی نمود تا از طریق توسل به مکانیزم تعرفه، اتکاء بر سیستم کنترل واردات را کاهش دهد. اما این تمایل تحت تاثیر بحران ارزی در اوایل

برنامه دوم و توسعه سریع صنعت و نیز وزارت ترا زپرداختها قرار گرفته و در نتیجه کنترل واردات شدیدتر اعمال شد.

هدف سیاست‌های مربوط به واردات و ارز در برنامه دوم، کنترل مستقیم و همه جانبه بر استفاده از ارزهای خارجی بود، لذا تخصیص مستقیم این منابع ارزی در هر یک از بخشهای اقتصادی اهمیت ویژه‌ای یافت. نحوه تخصیص بدین صورت بود که در اول ماه آوریل و اول اکتبر هر سال مسئولین مربوطه در وزارت دارایی میسران ارز موجود کشوری ۶ ماه آینده را برآورد می نمودند، پس از تخصیص اولیه ارز برای بازپرداخت وامها و هزینه سفارتخانه‌های هند در خارج کشور، مابقی میان بخشهای مختلف اقتصادی تقسیم میگردد، بخشهای تولیدی مواد غذایی، کودشیمیائی، نفت خام و تصفیه شده و مواد روغنی و نیز امور دفاعی در اولویت قرار داشتند و پس از آن بخش آهن و فولاد بیشترین سهم ارزی را بخود اختصاص میداد.

علی رغم آنکه تخصیص ارز در یک سیستم کنترل مستقیم نیازمند معیارها و ضوابط روشن و براساس اولویتهای معین است، بنظر میرسد که چنین معیارهای مشخصی در هندوستان وجود نداشته است. تخصیص ارز به صنایع عمدتاً "براساس" مقادیر دریافت ارزی آنها در گذشته و نیز ظرفیتهای تولیدی آنها صورت میگرفت و در مورد تخصیص ارز به واحدهای تولیدی در هر بخش نیز معیار و ضابطه خاصی وجود نداشته است. در مواردی دریا فتهای قبلی آنها و در موارد دیگر میزان تولید فعلی آنها ملاک تخصیص بود. در بعضی موارد میزان مصرف مواد اولیه داخلی و در مواردی مشابه، وجود اولویتهای صنعتی در آن واحدها ملاک تخصیص ارز قرار میگرفت. بناباه گفته یکی از کارشناسان<sup>(۱)</sup> کسه وضعیت صنایع کساغذ،

(۱): V.A. Panchamukhi



فلزات غیر آهنی و آلیاژها و ماشین آلات را در این زمینه مورد مطالعه قرار داده است ، ارتباط بسیار کمی میان میزان واردات و ارزش تخصیص یافته به این صنایع و میزان بازدهی آنها مشاهده می گردد . صنایعی با کمترین بازدهی ، مجوزهای بیشتری برای واردات دریافت می کردند . دربرآوردهای اقتصادسنجی وی در این سه صنعت ، ضریب همبستگی میان مجوزهای وارداتی و میزان بازدهی این صنایع در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۲ منفی (۱) بوده است .

علاوه بر فقدان معیار مشخص برای تخصیص واردات و از دست دادن اطلاعات و آمار دقیق و مورد اطمینان ، بوروکراسی عظیم اداری در میان وزارتخانه های ذینفع و فساد و سوء استفاده در اجرای عملی این سیاست از جمله عواملی بود که سبب گردید تا واردات و منابع ارزی نتوانند بطور مطلوب و عادلانه به بخشهای متفاوت اقتصادی تخصیص یابند .

### عدم کارایی و آثار منفی اقتصادی کنترل واردات در هند

.....

#### تاخیرها :

اجرای هر سیستم تخصیص واردات نیازمند زمان مشخصی است . این سیستم در هندوستان عملاً " بنظر می رسد که سبب اتلاف وقت بسیار گردیده است . غالباً " مراحل تصویب و اجرا و تخصیص واردات بجای آنکه بطور همزمان در وزارتخانه ها و واحدهای مربوطه صورت گیرد ، این مراحل بدنیال هم انجام می پذیرد که متضمن صرف وقت زیادی است و با در نظر گرفتن بوروکراسی اداری در جمع آوری اطلاعات مربوط به

---

(۱): Bhagwati & Desai , India-Planning for Industrialisation , (London: Oxford University Press, 1970), P, 295 .

تشخیص اولویتها، مدت زمان مورد نیاز حتی بیشتر هم میگردد. تحقیقات بعمل آمده توسط یک گروه مطالعه بر روی سیستم کنترل واردات و صادرات در سال ۱۹۶۶ نشان میدهد که بطور متوسط میزان تأخیر در تخصیص مواد اولیه بین ۵ تا ۷ ماهه برای کالاهای سرمایه‌ای حدود یکسال ونیم بوده است (۱).

### ایجاد ظرفیتهای جدید تولیدی ملی رغم وجود مازاد ظرفیت

.....

تخصیص واردات به صنایع بر اساس ظرفیتهای تولیدی آنها در هند، به ایجاد انگیزه‌های کاذب و مسرفانه در ایجاد ظرفیتهای جدید تولیدی از طریق گسترش تاسیسات آنها منجر میگردد تا بدینوسیله تولید کننده بتواند مقدار واردات بیشتری استفاده کند. یک واحد تولیدی بدلیل کمبود واردات مواد اولیه قادر نبوده با استفاده از ظرفیت مازاد خویش تولید را گسترش دهد مگر آنکه چنین اقدامی سودآور می‌باشد، حال آنکه استفاده از ظرفیت مازاد در حالیکه سهمیه واردات مواد اولیه برای آن واحد تولیدی میزان مشخصی بود، تنها در صورت خرید این مسوود از داخل می‌توانست صورت گیرد و با بهای گران داخلی این مواد نسبت به قیمت سیف حتی در این صورت نیز تولید نمی‌توانست آنچنان سودآور باشد. در این صورت در چنین سیستم تخصیص واردات، تنها راه افزایش تولید ایجاد ظرفیتهای جدید تولیدی بود تا از این طریق یک واحد تولیدی بتواند سهمیه‌های وارداتی بیشتری را به قیمت‌های ارزان بخود اختصاص دهد.

---

(۱): Bhagwati & Desai , OP-Cit , P.319.

سیستم تخصیص واردات هندبر اساس " اصل عدم امکان دسترسی در داخل"<sup>(۱)</sup> سبب تشویق خریدننده‌های تولیدشده در داخل کشور گردید و بدین ترتیب تقریباً کلیه صنایع داخلی که یا تولیدکننده این کالاها و یا بنوعی استفاده‌کننده از این نوع کالاها بعنوان نهاده‌های واسطه‌ای بودند بدون توجه به هزینه تولید، کارآئی و مزیت نسبی آنها مورد حمایت قرار گرفتند. در چنین شرایطی تولیدکننده داخلی مواد واسطه‌ای که خود را مواجه با بازار حمایت‌شده‌ای می‌دید، تلاش می‌کرد تا حداکثر سود را از این بازار در مقابل ممنوعیت واردات مشابه و یا تعرفه‌های سنگین کسب کند. سودی که از تفاوت میان قیمت داخلی و قیمت سیف کالای وارداتی ناشی می‌گردد سبب بوجود آمدن صنایعی شد که هزینه تولیدشان بر حسب هزینه منابع داخلی بسیار بالا بود و دارای هیچگونه مزیت نسبی تولید نبودند.

این سود می‌توانست از کارآئی صنایع بکاهد زیرا در مواردی این سود بقدری زیاد بود که تولیدکننده هیچگونه نیازی برای تلاش در جهت کاهش هزینه‌های تولید خود نداشت.

در واقع دلیل اصلی بوجود آمدن برخی صنایع با عدم مزیت نسبی تولید در بسیاری از کشورها از جمله هندوستان، همان یکارگیری سیاستهای کنترل واردات بوده است. زمانیکه سود بالاست، از یکسو ممکن است دقت در مصرف مواد واسطه‌ای را کاهش دهد و موجب آن گردد تا مواد واسطه‌ای بصورت اتلاف آمیزی مورد استفاده قرار گیرد و از سوی دیگر میتواند موجب شود که تولیدکنندگان، عوامل تولید را در ظرفیت کامل

(۱): Indigenous Non-Availability.

(۲): Domestic Resource Cost.

خودمورد استفاده قرار ندهند، چه بسا صنایعی که در چین با زار حمایت شده‌ای می‌توانند، فقط با بهره‌جویی از بخش کوچکی از ظرفیت تولیدی خود عمل نمایند و هنوز تولیدشان برای بازار داخلی بطور قابل توجهی سودآور باشد. در مورد هندوستان این مسئله بشکل بارزی در مورد صنایع کاربری مثل نساجی که از تکنولوژی پایین و ماشین آلات قدیمی استفاده می‌نمودند مشاهده گردید. بر اساس آمار دهه ۱۹۶۰ نرخ حمایت موثر از صنایع داخلی هندوستان حدود ۸۰ تا ۱۰۰ درصد بوده است. (۲)

### ایجاد انگیزه برای صنایعی که واردات سهم عمده در تولیدشان داشت

.....

سیستم تخصیص واردات، به ایجاد و گسترش فعالیت‌های تولیدی که واردات سهم بیشتری در تولید آنها ایفا می‌کند انجام می‌دهد، زیرا تولیدکنندگان مزبور، نهاده‌های وارداتی خویش را به قیمت‌های جهانی تامین می‌نمودند (که تنها مشمول عوارض گمرکی می‌گردید) در حالی که سایر تولیدکنندگان که از نهاده‌های داخلی استفاده می‌کردند ناگزیر بودند که این نهاده‌ها را به قیمت‌های گرانتر داخلی تهیه نمایند (قیمت نهاده‌های داخلی معادل قیمت سیف وارداتی با اضافه نرخ تعرفه‌ای بود) و لذا بسیاری از صنایع اخیرتیا ز مندرسوسید بودند که از جانب دولت تنها به برخی از آنها پرداخت می‌گردید.

### تبعیض نسبت به صادرات و عدم قابلیت رقابت

.....

---

(۱): اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، هفته نامه شماره ۸،

مهر ۱۳۶۶، صفحه ۴.

(۲): Bhagwati, OP. Cit, P. 362.

همانطور که بیان گردید بکارگیری سیاستهای حمایتی دولت  
 هند از یکسو موجب افزایش هزینه‌های صنایعی که از نهادهای داخلی استفاده  
 میکردند و از سوی دیگر مزیت نسبی و کارآئی این صنایع را از بین  
 برد. در شرایطی که صادرات جهانی با هزینه‌های تولید بسیار پایینتر  
 روبرو بود، اکثر صنایع صادراتی هند که از نهادهای واسطهای داخلی  
 استفاده می نمودند برای رقابت در عرصه بین المللی راندا شدند.  
 این امر خصوصا " در مورد صنایع کاربر با تکنولوژی پائین مثل برخی  
 صنایع غذایی و صنایع نساجی که از بازدهی تولید کمی برخوردار بودند،  
 بچشم میخورد. عدم رقابت پذیری تولیدات هندیکی از مهمترین عوامل  
 کاهش سهم هند در صادرات جهانی از دهه ۱۹۵۰ به بعد بوده است.  
 عدم قابلیت رقابت این صنایع دو دلیل عمده داشت، نخست  
 آنکه بدلیل حمایتهای شدید داخلی و سودی که از فروش داخلی نصیب  
 تولیدکنندگان میگردد آنها انگیزه زیادی برای صدور کالا از خود نشان  
 نمیدادند و در مواردی نیز که به امر صدور بخش ناچیزی از تولیدات خود  
 اقدام میکردند صرفا " بدلیل استفاده از سهمیه‌های بیشتر وارداتی بود.  
 دلیل دیگر آن بود که بدلیل سود فروش داخلی علی رغم کیفیت پائین  
 کالا، تولیدکنندگان تمایلی به بهبود بخشیدن کیفیت کالاها و تطبیق آنها  
 با استانداردهای بین المللی و استفاده از ماشین آلات جدیدتر نداشتند.  
 بررسیهای یکی از محققین اقتصادی هند در مورد صادرات هند  
 نشان میدهد که در مجموع، صادرات تولیدات سنتی هند قابلیت رقابت  
 در سطح بین المللی را ندارد و بنظر میرسد که نقش هزینه تولید در این  
 زمینه بسیار مهم است.

جدول ذیل ساختار هزینه‌های صادرات هند را در برابر صادرات جهانی نشان میدهد. براساس این جدول هزینه‌ها لانه نیروی کار رهنده (تعداد نیروی کار لازم برای تولید یک میلیون دلار کالای صادراتی) در سال ۱۹۷۷ نسبت به سال ۱۹۷۰ کاهش یافته است، اما این کاهش هزینه در سطح جهانی بیشتر است. در مورد گروه‌های کالایی صادرات نیز این امر صادق است. در زمینه هزینه مواد اولیه (مقدار هزینه مواد اولیه برای تولید یک دلار کالا) بجز سوخت‌های معدنی، کاهش در هزینه مواد اولیه در سطح جهانی بیشتر از میزان این کاهش در هند بوده است. این امر نشان دهنده عدم قابلیت رقابت تولید کالاهای صادراتی هند است که علی‌رغم کوشش‌های دولت برای توسعه صادرات طی دهه ۱۹۷۰ مشاهده میشود.

ساختار هزینه‌های صادرات هند در برابر صادرات جهانی

شماره تفرقه SITC	ماده	هند		بقیه جهان		هند		بقیه جهان	
		۱۹۷۷	۱۹۷۰	۱۹۷۷	۱۹۷۰	۱۹۷۷	۱۹۷۰	۱۹۷۷	۱۹۷۰
۰	مواد غذایی، حیوانات زنده، چربیها و سبزیجات	۰/۷۱	۰/۶۴	۰/۸۹	۰/۸۸	۱۲	۳۱	۱۶۶	۱۸۱
۱	نوشیدنیها و تنباکو	۰/۶۳	۰/۳۶	۰/۸۲	۰/۷۲	۱۲	۳۲	۲۲۴	۲۸۶
۲	مواد خام غیرخوراکی	۰/۵۶	۰/۵۲	۰/۷۶	۰/۶۸	۲۰	۵۱	۱۷۷	۲۱۸
۳	سوخت‌های معدنی	۰/۴۴	۰/۶۸	۰/۶۷	۰/۴۹	۶	۲۶	-	۵۴
۴	مواد شیمیایی	۰/۵۷	۰/۴۵	۰/۸۰	۰/۶۸	۱۳	۲۳	۷۴	۱۴۷
۵	تولیدات معدنی	۰/۶۱	۰/۵۸	۰/۷۹	۰/۷۲	۲۴	۵۰	۱۸۰	۲۲۴
۷	ماشین آلات و وسایل نقلیه	۰/۷۲	۰/۵۴	۰/۷۳	۰/۶۹	۱۱	۴۶	۱۴۸	۲۲۵
۸	سایر اقلام ساخته شده	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۶۷	۰/۶۲	۲۷	۶۳	۲۸۶	۵۱۵
	کل	۰/۶۵	۰/۵۵	۰/۷۹	۰/۷۳	۱۵	۴۴	۱۴۴	۲۷۱

R.S.Tiwari, "Constant Market-Share Analysis of export Growth"

Pakistan Journal of Applied Economics, No. 2, 1985, P. 115.

L = تعداد نیروی کار در بخش تولید کالاهای صادراتی  
O = تولید بر حسب میلیون دلار  
M = هزینه مواد اولیه بر حسب میلیون دلار

(۱): گرچه برای نشان دادن ساختار هزینه‌های صادرات، ما هزینه‌های مربوط به نیروی کار سرمایه و مواد اولیه لازم است، لکن در اینجا بدلیل فقدان آمار مربوطه هزینه‌های سرمایه‌های مربوط به صادرات نیز آمده است.

علاوه بر عامل افزایش دستمزدها و سایر هزینه‌های تولید در بخشهای سنتی مثل چای و قهوه، در صنایع مهندسی عامل عدم تطابق با استانداردهای جهانی و کیفیت پایین این تولیدات نیز در کاهش قابلیت رقابت این صنایع تأثیر فراوان داشته است. برای مثال بیان می‌کنند که تقاضای جهانی برای صادرات الکتروموتور و ترانسفورماتورهای ساخت هند بدلیل اندازه بزرگ و وزن سنگین آنها کاهش یافته است و نیز تقاضا برای صادرات موتورهای دیزلی بدلیل وزن سنگین، سرعت کم و قابلیت خنک‌شوندگی بآب کاهش یافته است. در حالیکه موتورهای مشابه خارجی از کیفیت بهتر و سرعت بیشتری برخوردارند، بوسیله هوا خنک میشوند و فضای کمتری را نیز اشغال مینمایند. طی دهه ۱۹۷۰ معاملات تهاتری هند با سایر کشورها، خصوصاً " بلوک شرق، صنایع مربوط به کالاهای سرمایه‌ای این کشور را ملزم میساخت تا ز واردات اقلامی خاص و عمدتاً " با تکنولوژی پائین استفاده کنند و این خود به کیفیت نامطلوب تولیدات هند در بسیاری از کالاهای سرمایه‌ای انجامید. از اواسط دهه ۱۹۸۰ دولت هند با آگاهی از این مسئله پنج گروه متخصص جهت بررسی مشکلات موجود در پنج صنعت عمده کالاهای سرمایه‌ای تشکیل داده است و با توجه به نتایج تحقیقات آنها، دولت مقررات مربوط به "ارتقاء" تکنولوژی در صنایع<sup>(۱)</sup> را اعلام نموده است. این صنایع عبارتند از: ماشین‌آلات برقی مثل موتورهای برق و ترانسفورماتور، وسایل تولید برق مثل توربین و ژنراتور، صنایع ریخته‌گری، ابزارآلات و منتخبی از ماشین‌آلات ذوب‌فلزات، ابزار مربوط به صنایع شیمیایی، شکر، لاستیک و مواد غذایی. علاوه بر اعطای اعتبارات و مشارکت در این زمینه دولت اقدام به گسترش نسبی

Technology Upgradation Scheme: (۱)

واردات تکنولوژی و جذب مشارکت خارجی نموده است. از آنجائیکه روند افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای در اواخر دهه ۱۹۷۰ نیز قابل توجه بوده است، توانایی این سیاست جدید دولت در تغییر شرایط رکود تولیدات صنعتی و صدور آنها در ابهام قرار دارد. طی دوره ۱۹۸۶-۱۹۷۸ واردات کالاهای سرمایه‌ای از ۱/۹ میلیارد روپیه به ۱۱/۱ میلیارد روپیه افزایش یافت، در حالیکه صادرات این اقلام از سال ۱۹۸۱/۸۲ کاهش یافته است. بنابراین لازم است که دولت علاوه بر این سیاست، روشهایی را نیز برای از میان برداشتن سایر مشکلات اساسی صنایع از جمله هزینه‌های بالای نهاده‌های آنها، مالیاتهای زیاد و عوارض گمرکی اجرا نماید.

#### سیاستهای مربوط به تشویق صادرات

oo

سیاستهای تشویق صادرات بطور اساسی از دهه ۱۹۶۰ در هند به اجرا درآمد. بر اساس نوع کمکهایی که در بطن این سیاستها نهفته است آنها را به شش گروه میتوان تقسیم نمود.

- ۱): امتیازات مالیاتی،
- ۲): سیاست وارداتی موثر در صادرات،
- ۳): سوبسیدهای مربوط به نهاده‌ها،
- ۴): مشوقهای مالی مستقیم،
- ۵): کمکهای دولت در زمینه بازاریابی،
- ۶): ایجاد نواحی تجارت آزاد.

---

(۱): State Bank of India , State Bank Economic News Letter, No, 34, Aug. 24 , 1987.



لازم به ذکر است که سیاستهای صادراتی، بخشی از چهارچوب کلی برنامه‌ریزی اقتصادی هند بشمار میرود و بدین لحاظ با سیاستهای دولت در زمینه تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری و واردات ارتباطی اجتناب‌ناپذیر دارد. اگرچه مجال پرداختن به سیاستهای کلی دولت هند در این مقاله نیست، در مواردی که مورد نیاز باشد بطور اجمال از آنها و تاثیرشان بر صادرات هند سخن به میان خواهد آمد.

### (۱) - امتیازات مالیاتی (Fiscal Concessions)

.....

این امتیازات را بر اساس نوع ارتباطی که با پرداخت مالیاتهای مستقیم و یا غیرمستقیم دارند به دو گروه میتوان تقسیم نمود:

(۱-۱) - کاهش مالیات بردرآمد و تا مین اعتبارات مالیاتی:

در اوایل دهه ۱۹۶۰ مقررات متعددی در مورد مالیات صادر - کنندگان به اجرا درآمد. بارزترین آنها در سال ۱۹۶۵ بود که بر اساس آن به صادرکنندگان کالاهای مشخص، گواهی اعتبار مالیاتی بصورت درصد معینی از ارزش فوب صادرات آنها پرداخت میگردد. بر اساس نوع کالای صادر شده نرخ اعتبار مالیاتی بین ۲ تا ۱۵ درصد در نوسان بود. این سیاست ۲۹ قلم کالای صادراتی معادل ۵۳ درصد از کل صادرات هند را شامل

---

(۱): Tax Credit Certificates.

(۲): لازم به ذکر است که نرخ ۱۵ درصد مربوط به مواد معدنی و میوه‌جات بود که سهم نسبتاً کمی در کل درآمدهای صادراتی داشته است. در حالیکه اقلام مهمی از قبیل تولیدات چتایی، چای و مغز بادام هندی تنها نرخ ۲ درصد ارزش فوب را بعنوان اعتبار مالیاتی دریافت میکردند.

(۱) میشود. نرخ این گواهی‌نامه‌ها نمایانگر درصدی از ارزش صادرات بود که صادرکننده می‌توانست از پرداخت مالیاتی خویش کسر کرده و یا پس از پرداخت آنرا مطالبه نماید.

در پی کاهش ارزش روپیه در سال ۱۹۶۶ که توسط دولت صورت گرفت، کلیه امتیازات مالیاتی لغو گردید. اما در ۲ سال بعد مجدداً نوعی مشوقهای مالیاتی به اجرا درآمد که براساس آن درصدی از مخارج واحداً در اتی در زمینه ایجاد شعبه فروش در خارج، تبلیغات خارج از کشور و تحقیقات بازاریابی، از مالیات واحداً درکننده کسر می‌گردید. اگرچه سیاست کاهش مالیات بر درآمد صادرکننده به هر نوع که باشد دلیل آنکه هیچگونه هزینه‌ای برای دولت در بر ندارند (اگرچه تا حدودی از درآمد دولت می‌کاهد) و از نظر مقررات اجرایی نیز تنه‌ها بخشی از سیستم مالیاتی موجود کشور است می‌تواند سیاست مناسبی تلقی گردد، این ابزار دارای محدودیتهای مشخصی نیز می‌باشد. در صورتیکه تخفیف مالیاتی مربوط به سود صادراتی باشد و خصوصاً "این سود نسبت کمی از ارزش صادرات باشد، این سیاست مالیاتی نمیتواند چندان موفق باشد. به علاوه دلیل آنکه میزان سود غیرقابل پیش‌بینی است، این مشوق نمی‌تواند چندان مورد اطمینان صادرکننده باشد. بهر حال حتی موثرترین شیوه مالیاتی هند بدلیل کوتاهی مدت اجرای آن نتوانست تاثیر چندان بی‌افزایش صادرات هندا داشته باشد.

(۱-۲) - بازپرداخت حقوق و عوارض گمرکی (Drawback duties):

برطبق این مقررات، ۹۸ درصد از عوارض گمرکی کالاهایی که

(۱): Deepak Nayer, India's Exports and Export Policies in the 1960s, (London: Cambridge University Press, 1976), P. 233.

پس از ورود مجدداً "صادر میگردیدند به صادرکننده برگردانده میشود. در صورتی که کالای وارداتی بعنوان نهاده در صنایعی که تولیدات نهائی خود را صادر میگردند بکار میبرفت، کلیه عوارض گمرکی مربوط به آن برگشت داده میشود. بعلاوه، معاملات نهایی مربوط به صادرات در کلیه ایالتها از پرداخت مالیات برفروش معاف بودند اما بر کلیه معاملات داخلی تا قبل از مرحله صدور نهایی، مالیات تعلق می گرفت.

آشکار است که هر کالای صنعتی که قابل صدور باشد از نهاده های متفاوتی استفاده میکند. برقراری حقوق گمرکی و یا مالیات در مراحل اولیه بر این نهاده ها هزینه تولید را در آن صنعت صادراتی با لایبرده و بر رقابت پذیری آن در بازار جهانی لطمه وارد میسازد. در این مورد باید سیاستهای تشویق صادرات کالاهای صنعتی جبران کننده افزایش هزینه های صادرات بر اثر مالیاتهای داخلی باشد.

از نظر تئوری یک سیستم برگشت حقوق گمرکی و مالیات بر نهاده ها بخوبی میتواند جبران کننده باشد اما عملاً "با مشکلات اداری گوناگونی مواجه است. تشخیص میزان واردات بکار رفته در هر محموله صادراتی و نیز میزان عوارض واقعی و مالیاتهای دیگر که بابت نهاده های بکار رفته پرداخت میشود در عمل بسیار دشوار است. این سیستم بدون شک موجب تاخیرها و عدم اطمینان میگردد بطوریکه مشوقهای لازم در این سیاستها به نحو با رزی کاهش مییابد. گرچه دولت هند در بسیاری موارد مقررات اداری را در این زمینه تسهیل نموده اما در اکثر موارد این آزادیهای نسبی نیز به سوء استفاده منجر گردیده است.